



مؤلفه‌های هویت فرهنگی زن انقلابی با توجه به رفتار حضرت زینب علیها السلام در جریان قیام عاشورا^۱

حسنات بیانی^۲

چکیده

مؤلفه‌های هویتی زنان مسلمان انقلابی مجموعه‌ای رفتاری است که زن مسلمان انقلابی برای داشتن شخصیتی دینی و انقلابی می‌تواند با الگوگیری از آن‌ها شخصیت خود را شکل دهد. در نتیجه این شکل‌گیری شخصیت آحاد زنان جامعه، هویت اجتماعی فرهنگی جامعه براساس آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد، تقویت می‌شود و تکامل می‌یابد. بهترین الگوی هویتی برای زنان انقلابی مسلمان، حضرت زینب- کبری علیها السلام هستند که در شرایط قیام امام حسین علیه السلام، حضور فعال داشته‌اند. برخی از مؤلفه‌های هویت فرهنگی زنان مسلمان انقلابی با الگوگیری از رفتارهای ایشان عبارتند از: دین‌مداری، ولایت‌مداری، صبر جمیل، حضور فعال سیاسی و شجاعت و شهامت.

واژگان کلیدی: حضرت زینب علیها السلام، هویت فرهنگی، زنان انقلابی، الگوی

هویتی، صبر جمیل، دین‌مداری، ولایت‌مداری.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۹/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴.

۲. کارشناسی ارشد کلام اسلامی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه /

مقدمه

انسانی موجودی اجتماعی است. برساخته‌های اجتماعی بر او تأثیر گزارند و او خود خالق برساخته‌های اجتماعی است. فرهنگ از مهم‌ترین برساخته‌های اجتماعی است که ملهم از دین و هنجارهای دیگر اجتماعی است. گاهی دین نقش پر رنگی در فرهنگ دارد و تبدیل به عین فرهنگ می‌شود و گاه به عنوان مؤلفه‌ای ناپسند، از آن احتراز می‌جویند.

تأثیرات و تأثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از پیچیدگی‌های درونی بشر، بسیار پیچیده و درهم تنیده است. فرد بر اجتماع اثر می‌گذارد و اجتماع بر فرد؛ هنجارها و برساخته‌های اجتماعی بر افراد به صورت گروهی و فردی تأثیر گذارند و افراد و گروه‌ها بر هنجارها اثر می‌کنند، آن‌ها را می‌سازند و یا نابود می‌کنند. این تأثیر و تأثر هم زمان و این کنش و واکنش گاه خودآگاه و گاه ناخود آگاهند.

این مقدمه ما را با این حقیقت مواجه می‌کند که شناخت هنجارها و مؤلفه‌های هویتی بر اساس آموزه‌های صحیح دینی به ما کمک می‌کند تا به صورت آگاهانه آن‌ها را اختیار کنیم، هویت فردی و گروهی خود را شکل دهیم و در نهایت شخصیت دینی خود را تکامل ببخشیم.

حضرت زینب کبری علیها السلام به عنوان زنی که شرایط بحرانی یک جوشش و حرکت دینی را تجربه کرده است و در ایجاد و گسترش یک نهضت انقلابی تأثیرگذار بوده است می‌تواند الگوی بسیار مناسبی برای شناسایی مؤلفه‌های هویتی زن مسلمان انقلابی باشد. بدین ترتیب زنان مسلمان با شناسایی مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایشان می‌توانند در مسیر شکل‌دهی هویت دینی خود، با عنوان زنان انقلابی تلاش کنند و به نحوی آگاهانه شخصیت دینی خود را شکل دهند. در این پژوهش تلاش من این بوده است تا در ضمن بیان تأثیر و تأثرات هویت و شخصیت، مؤلفه‌های هویت فرهنگی زنان انقلابی را با توجه به سیره ایشان در قیام عاشورا شناسایی کنم.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. هویت

واژه هویت یک کلمه اصالتاً عربی است و از واژه "هو" به معنی "او" گرفته شده است. هویت به معنای فارسی "آن بودن" است. این کلمه اشاره به ماهیت و حقیقت وجودی ذات اشیاء دارد. بنابراین، هویت هر پدیده‌ای، بیانگر هیئت و ماهیت وجودی ذات آن است. (عمید، بی تا: ۱۲۶۵) با این پیشینه لغوی ممکن است معنای هویت با مفهوم شخصیت "personality" اشتباه گرفته شود. آنچه معمولاً از شخصیت افراد مراد است ویژگی‌های اصیل و درونی فرد است اما هویت اشاره به ویژگی‌هایی دارد که شخص به آن شناخته می‌شود. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۳)

۱-۲. تأثیر هویت بر شخصیت

درحالی‌که تفاوت بین این دو معنا بسیار ظریف است و درعین حال پیوندهای بسیار وثیقی دارند. آنچه من هستم (شخصیت) بر منش من و در نتیجه شناخت دیگران از من (هویت) تأثیرگذار است و آنچه مردم مرا به آن می‌شناسند می‌تواند در نهایت منجر به این شود که آن "هویت" تبدیل به "شخصیت" من شود. (و یا نشود؛ هیچ کس نمی‌داند چرا انسان‌ها بسیار پیچیده‌اند.)

برای مثال در این زمینه می‌توان به قرآن اشاره کرد. در زمانه‌ای که زنان ارزش اجتماعی پایینی داشتند و به گواهی تاریخ در برخی قبایل عرب نوزادان دختر زنده به گور می‌شدند، خداوند زنان و مردان را از یک خلقت و طبیعت معرفی کرد: (معرفی هویت انسانی یکسان برای زن و مرد)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء: ۱) «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (اعراف: ۱۸۹)

زن و مرد را در بهره‌وری از کمالات انسانی برابر دانست:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵)

به یقین، مردان و زنان مسلمان که در عمل به احکام دین پای بندند، و مردان و زنانی که دین را باور کرده‌اند، و مردان و زنانی که خدا و رسولش را از روی خضوع اطاعت می‌کنند، و مردان و زنان راستگو و مردان و زنانی که در مصیبت‌ها و بر طاعت و دوری از گناه شکیبایند، و مردان و زنان فروتن و مردان و زنانی که در راه خدا انفاق می‌کنند و مردان و زنانی که روزه می‌دارند و مردان و زنانی که شرمگاه‌های خود را از آنچه خدا حرام کرده است نگاه می‌دارند و مردان و زنانی که با زبان و در دل بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم کرده است.

آنان را به مشارکت سیاسی و می‌دارد:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرَ لَهُنَّ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه: ۱۲)

ای پیامبر، هرگاه زنانی که ایمان آورده‌اند نزد تو آیند که با این شرایط با تو بیعت کنند که هیچ چیزی نه بت و نه غیر آن را شریک خدا قرار ندهند و از مال هیچ کس نه مال همسرانشان و نه مال دیگران دزدی نکنند و آشکارا و نهانی مرتکب زنا نشوند و به هیچ وجه فرزندان‌شان را نکشند و فرزندان دیگران را که میان دست و پای خود بر زمین می‌نهند، به دروغ از شوهران خود نخوانند و در هیچ کار پسندیده‌ای که به آن فرمان می‌دهی تو را نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و آمرزش گناهانشان را از خدا بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است.



و مالکیت اقتصادی زنان را معتبر می‌شمارد:

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» (نساء: ۳۲) مردان از آنچه به اقتضای طبیعت یا کار و کوشش خود فراهم آورده‌اند بهره‌ای دارند، و زنان نیز از آنچه به اقتضای طبیعت و یا کسب و کار خویش به دست آورده‌اند بهره‌ای دارند.

همچنین قرآن کریم در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه نیز یاد می‌کند: در کنار حضرت آدم و ابراهیم از همسران آنها (هود: ۷۱-۷۱) و در کنار حضرت موسی و عیسی از مادران آنها (قصص: ۱۰ و آل عمران: ۴۲) در نهایت تجلیل یاد کرده است، از زن فرعون (تحریم: ۱۱) نیز به عنوان زن بزرگی که گرفتار مرد پلیدی بوده است غفلت نکرده است، گویی قرآن خواسته است در داستان‌های خود توازن را حفظ کند و قهرمانان داستان‌ها را منحصر به مردان ننماید. (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۱۸)

اینگونه است که خداوند به زنان هویتی مستقل و قوی چونان دیگر افراد جامعه می‌بخشد و در پرتوی این هویت بخشی زنانه تربیت می‌شوند (شکل‌گیری شخصیت) که قدم به قدم همپای مردان خود به رشد و اعتلای جامعه کمک می‌کنند، در امور اقتصادی مشارکت دارند و حتی در جنگ‌ها حضور مثبت دارند.

۱-۳. هویت فردی و هویت اجتماعی

هویت مفهومی بسیار پیچیده است. جامعه‌شناسان بنام عقیده دارند که اشکال هویت (فردی و اجتماعی) صرفاً از جنبه ذهنی و تحلیلی از هم جدا و متمایز می‌شوند اما در عالم واقع پیوندی وثیق با یکدیگر دارند.

آنتونی گیدنز^۱ هویت را به معنای ویژگی‌هایی می‌داند که از طرف دیگران به یک فرد نسبت داده می‌شود. این ویژگی‌ها را می‌توان نشانه‌هایی تلقی کرد که نشان می‌دهند هر شخص معینی، اساساً چه کسی است. در عین حال، این

^۱Anthony Giddens

ویژگی‌ها شخص مذکور را به افراد دیگری مربوط می‌کند که همین خصوصیات و کیفیات را دارد. (هویت اجتماعی) هویت‌های اجتماعی بُعد جمعی دارند، آن‌ها مشخص می‌کنند که افراد چگونه و از چه نظر شبیه دیگران هستند. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۷۵)

ریچارد جنکینز^۱ «هویت اجتماعی» و «هویت» را مرادف می‌داند و در این باره می‌گوید: «همه هویت‌های انسانی به یک معنا (و معمولاً به معنای قوی‌تر تا معنای ضعیف‌تر آن) هویت‌های اجتماعی هستند... ممکن نیست غیر از این باشد. زیرا هویت به معنا مربوط می‌شود و معنا خصیصه ذاتی واژه‌ها و اشیاء نیست، معنا همواره نتیجه توافق و عدم توافق است، همواره موضوع قرارداد و نوآوری است، و تا اندازه‌ای به اشتراک گذارده می‌شود و در باب آن چون و چرا می‌شود.» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۶). از جمله استدلال‌های جنکینز در کتاب "هویت اجتماعی" این است:

«از جهت‌های مهمی، امر یگانه فردی و امر مشترک جمعی را می‌توان چنان فهم کرد که مشابه یکدیگر باشند (اگر دقیقاً با هم یکسان نباشند) و اینکه هر یک با دیگری به‌طور معمول نسبت دارد - یا حتی از این بهتر، با دیگری گره خورده است. و هر دو فی نفسه اجتماعی هستند.» (همان: ۳۴)

جنکینز در نهایت هویت را اینگونه معنا می‌کند: هویت مجموعه‌ای است از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به‌طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد. (همان)

این بیان به ما نشان می‌دهد که عملاً هویت فردی و اجتماعی از هم تفکیک ناپذیرند و تأثیر و تأثرات فراوان برهم دارند. با در نظر گرفتن اینکه غلبه در جمع، بر هویت اجتماعی است و انسان موجودی اجتماعی است، کاملاً قابل

^۱ Richard Jenkins

درک است که هویت اجتماعی تأثیر پر رنگی بر هویت فرهنگی و در نهایت بر شخصیت افراد دارد.

۴-۱. فرهنگ

برای کلمه فرهنگ معانی متعددی ذکر شده است. به طور کلی فرهنگ، را می‌توان به عنوان مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین تعریف کرد. (کوئن، ۱۳۷۲: ۵۶) در مجموع باتوجه به تعاریف متعدد این واژه می‌توان ویژگی‌های زیر را برای فرهنگ برشمرد:

الف) فرهنگ رفتارهای ما را شکل می‌دهد.

ب) اکتسابی است.

ج) مربوط به حیات ماست.

د) قابل تغییر است.

ه) قابل ارزش‌گذاری است. (بیانی، بی‌تا: ۷)

۵-۱. اهمیت هویت فرهنگی (دینی)

بنابر تعاریف اندیشمندان از واژه فرهنگ دانسته می‌شود که اعتقادات و دین یک عنصر اساسی تشکیل‌دهنده فرهنگ است. در جامعه اسلامی که فرهنگ دینی حاکم است، آنچه مراد ما از هویت فرهنگی است، همان هویت دینی است. هویت فرهنگی یا دینی تمام آن چیزهایی است که هیئت و ماهیت وجودی یک جامعه (یا فرد) را از لحاظ اعتقادی نشان می‌دهد.

فرهنگ دارای دو دسته عناصر است: اصول ثابت و اصول متغیر. اصول متغیر باتوجه به نیازهای متغیر بشری در بستر زمان، متفاوت است اما عناصر ثابت فرهنگی، مربوط به نیازهای ذاتی و فطری انسان است و تغییر نمی‌کند. بینش و جهان‌بینی ما، اصل ثابت و هنجارهایی که در قالب عرف و آداب و رسوم و... تأیید می‌شوند، اصول متغیر فرهنگ است. (همان)

بینش، نقش بسیار مهمی در الگوهای رفتاری و بایدها و نبایدهای زندگی ما (هنجار) دارد. زندگی در پارادیم خداباوری و ایمان به حقیقتی ورای زندگی مادی، می‌تواند بسیار متفاوت از زندگی در فضای بی‌خدایی باشد. به‌عنوان مثال، انسان کمال‌جو است و این میل فطری در هر کدام از پارادیم‌های خداباوری و بی‌خدایی، به نحو خاصی تعریف می‌شوند و باعث ایجاد هنجارهای خاصی می‌شوند. در هر کدام از این پارادیم‌ها، ارزش‌ها و باورهای متفاوتی وجود دارد که می‌تواند برای افراد درونی شده و به‌تبع، هنجارهای متفاوتی را ایجاد کند. (همان، ۸)

مراد از هنجار «معیارها و رفتارهای ثابتی هستند که گروه، به لحاظ فکری یا رفتاری، از افراد انتظار دارد یا آن‌ها را در قالب عرف، آداب، سنت‌ها، قواعد و قوانین تأیید می‌کند.» (کوئن، ۱۳۷۲: ۶۱) این معیارها می‌توانند شامل آیین‌های مذهبی و قومی و حتی رفتارهای روزمره مانند خوردن و آشامیدن باشد. (بابائی، ۱۳۸۴) با این مقدمه کاملاً واضح است که هنجارها، بینش، هویت فرهنگی، شخصیت فردی و اجتماعی مفاهیمی بسیار درهم تنیده‌اند. همانگونه که بینش، نقش مهمی در تعیین هنجارها دارد. هنجارها هم می‌توانند بر بینش و ارزش‌ها تأثیر بگذارند. هویت فرهنگی نمود ظاهری هنجارها و بینش است و بینش، هنجارها که از مؤلفه‌های شخصیت فردی و اجتماعی‌اند بر هویت فرهنگی تأثیر گذارند.

الگوی زیر می‌تواند به عنوان روش و نتیجه شناخت و اشاعه هویت فرهنگی باشد:

شناخت (مؤلفه‌های) هویت فرهنگی (اجتماعی) --> الگوگیری از این مؤلفه-ها و تلاش برای اجرای آن (فردی و اجتماعی) --> تأثیرگذاری هویت بارزه بر شکل‌گیری شخصیت دینی (هنجارهای درونی شده، بینش) --> تبارز هویتی هنجارهای درونی شده (شکل‌گیری هویت ناشی از شخصیت)

۲. مؤلفه‌های هویت فرهنگی زن انقلابی با تأکید بر رفتار حضرت زینب علیها السلام در جریان قیام عاشورا

حضرت زینب علیها السلام دختر بزرگوار امام علی ابن ابی طالب علیه السلام پسر عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دختر ایشان حضرت فاطمه علیها السلام است. به گواهی تاریخ، این بانوی شایسته که در دامان خانواده ولایت و نبوت پرورش یافت، در برحه‌ای که قیام حضرت امام حسین علیه السلام در جریان بود تا جرقه اتحاد شیعیان و انقلابی عظیم را بزند (رک: حسن، ۱۳۶۰: ج ۱، ۳۵۲)، به عنوان شخصیتی مستقل در این جریان سیاسی شرکت کرد (رک: جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۱۹) و حتی پس از شهادت امام حسین علیه السلام، در این حرکت نقشی مؤثر و فعال داشت.

شناسایی مؤلفه‌های هویتی ایشان در جریان این حرکت انقلابی (قیام امام حسین علیه السلام) می‌تواند به زنان مسلمان انقلابی کمک کند تا با الگوگیری از ایشان، در روند شکل‌گیری هویت انقلابی خویش، آگاهانه هنجارسازی کنند و شکل‌گیری شخصیت دینی و انقلابی خود را ساماندهی کنند.

برخی از مؤلفه‌های هویتی حضرت زینب علیها السلام در جریان قیام امام حسین علیه السلام عبارتند از:

۲-۱. حضور فعال سیاسی

حضرت زینب علیها السلام در جریان حرکت امام حسین علیه السلام از مکه به سمت عراق، با امام حسین علیه السلام که امام عصر و ولی امر ایشان بود همراه شدند. حتی در نقل تاریخی اینچنین وارد شده است که ایشان بدون همسر خود، حرکت در این مسیر خطرناک را انتخاب کرد. استقلال شخصیتی ایشان در این انتخاب دشوار سیاسی و سپس پایمردی و پافشاری بر انتخاب، حضور فعالانه در واقعه عاشورا و رسالت پیام‌رسانی ایشان بعد از واقعه و در حین اسارت، نشان از آگاهی و کمال سیاسی و دینی ایشان دارد. (برای مطالعه در مورد ابعاد قیام عاشورا رک: جعفریان، ۱۸۸-۲۵۲)

۲-۲. دین‌مداری

در کشاکش واقعه عاشورا، آنچه از حضرت زینب کبری علیها السلام به یادگار نقل شده است حالات روحی و معنوی ایشان است که نشان‌دهنده روحیه دین‌مدار و حرکت براساس فرامین الهی و محوریت قرآن است.

در خطبه‌های ایشان بارها به آیات قرآن و اعتقادات دینی استناد شده است که نشان از تسلط ایشان بر قرآن و تحلیل سیاسی ایشان بر مبنای دین است. ایشان در سخنان خود خطاب به یزید می‌فرمایند:

گفته خدا را فراموش کرده‌ای که می‌گوید: «کافران می‌پندارند این مهلتی که به آنان داده‌ایم برای آنان خوب است، ما آن‌ها را مهلت می‌دهیم تا بار گناه خویش را سنگین‌تر کنند، آنان به عذابی می‌رسند که مایه خواری و رسوایی است.» (پیشوایی، ۱۳۸۱: ۲۰۳)

۳-۲. ولایت‌مداری

زینب علیها السلام بانویی از خاندان ولایت است که تا لحظه آخر از ولایت دست نمی‌کشد، ولی امرش، برادر بزرگوارش امام حسین علیه السلام را منزل به منزل تا در واقعه کربلا همراهی می‌کند و پس از واقعه نیز دست از همراهی ولایت برنمی‌دارد. او یاریگر زین العابدین علیه السلام می‌شود و در صحنه‌های دشوار اسارت امام علی بن الحسین علیه السلام حامی ولایت می‌شود.

در مجلس ابن‌زیاد هنگامیکه ابن‌زیاد دستور به قتل امام زین العابدین علیه السلام می‌دهد، حضرت زینب علیها السلام با شجاعت از دیدعه امامت نگاهبانی کرد و بر سر این زیاد فریاد کشید: «پسر زیاد! کسی از مردان ما را زنده نگذاشتی، اگر می‌خواهی او را بکشی، مرا نیز با او بکش!» (همان، ۲۰۹)

۴-۲. صبر جمیل

در تاریخ نقل شده است که عبیدالله بن زیاد در کاخ خود دیدار عمومی ترتیب داد و دستور داد سر بریده امام حسین علیه السلام را در برابرش بگذارند، آنگاه زنان و کودکان را وارد کاخ نمودند. عبیدالله بن زیاد وقتی زینب علیها السلام را شناخت برای

آزار و طعنه به ایشان گفت: ستایش خدا را که شما خاندان را رسوا ساخت و کشت... دیدی خدا با خاندانت چه کرد؟

زینب علیها السلام در پاسخ فرمودند: ما رأیت الّا جمیلاً... یعنی جز زیبایی ندیدم! سپس فرمودند: آنان کسانی بودند که خدا مقدر ساخته بود کشته شوند و آنها نیز اطاعت کرده و به سوی آرامگاه خود شتافتند. (پیشوایی، ۱۳۸۱: ۱۹۵)

این حجم از صبر در حالیکه مدت بسیار کمی از واقعه عاشورا گذشته بود و داغ دل‌ها هنوز تازه بود، آن هم در برابر کسی که این حادثه را بر ایشان تحمیل کرده بود بسیار قابل توجه است. زنان معمولاً در چنین شرایطی مویه می‌کنند و عنان اختیار از کف می‌دهند و بر سر و صورت می‌کوبند اما ایشان با تکیه بر قضا و قدر الهی و تأییدات الهی، چنان رفتار کرد که در صبر ضرب‌المثل شد.

۵-۲. شجاعت و شهامت

در کتاب‌های تاریخی چنین ثبت شده است که حضرت زینب کبری علیها السلام، با اینکه تجربه واقعه بسیار هولناکی را داشت که منجر به گرفته شدن جان ۱۷ نفر از عزیزان وی به شمول برادر بزرگوارش امام حسین بن علی علیهما السلام و نیز اسارت خاندان امامت و ولایت شده بود، اما با شجاعت و شهامت بی‌مثال، هرگز اجازه نداد دشمن احساس کند پیروز شده است. بلکه با سخنان آتشین و غرای خود در برابر دشمنان، آنان را در میان مردم سرافکننده و رسوا ساخت و عملاً سفیر پیام عاشورا بود. خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام که در شهر کوفه و کاخ عبیدالله بن زیاد و کاخ یزید ثبت شده است، نشان از شهامت بی‌مثال و شجاعت بی‌مانند این بانوی انقلابی دارد که در شرایط اسارت خطر جان را خرید و از حق و حقیقت دفاع کرد.

براین نمونه ببینید چگونه در کاخ یزید او را خطاب قرار می‌دهد و رسوا می‌کند:

«یزید! چنین می‌پنداری که چون اطراف زمین و آسمان را بر ما تنگ گرفتی و ما را به دستور تو مانند اسیران از این شهر به آن شهر بردند، ما خوار شدیم و

تو عزیز گشتی؟ گمان می‌کنی با این کار قدر تو بلند شده است که اینچنین به خود می‌بالی و بر این و آن کبر می‌ورزی؟» (ابن ابی‌طیفور، بلاغات النساء: ۱۲- ۲۳ به نقل از پیشوایی، ۱۳۸۱: ۲۰۵)

نتیجه

زن مسلمان، برای اینکه شخصیتی انقلابی و دینی داشته باشد می‌تواند با الگوگیری از مؤلفه‌های هویتی زنان مسلمان انقلابی بر شخصیت خود تأثیرگذار باشد. از طرفی باتوجه به تأثرات دوجانبه میان هویت و شخصیت با شکل‌گیری شخصیت انقلابی و مذهبی زنان، هویت اجتماعی فرهنگی براساس آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد، تقویت می‌شود و تکامل می‌یابد.

بهترین الگوی هویتی برای زنان انقلابی مسلمان، حضرت زینب کبری علیها السلام هستند که در شرایط قیام امام حسین علیه السلام، حضور فعال داشته‌اند. برخی از مؤلفه‌های هویت فرهنگی زنان مسلمان انقلابی با الگوگیری از رفتارهای ایشان عبارتند از: دین‌مداری، ولایت‌مداری، صبر جمیل، حضور فعال سیاسی و شجاعت و شهامت.

پیشنهاد این تحقیق، بررسی راهکارهای مناسب برای ایجاد این مؤلفه‌های هویتی برای زنان مسلمان است.

برخی از راهکارهایی که در آینده قابل بررسی بیشتر است عبارتند از:

۱. رواج آموزش و پرورش برای تقویت فکری زنان و ترویج ورزش‌های رزمی و آمادگی دفاعی برای تقویت بنیه جسمی و اعتماد به نفس زنان
۲. ترویج روحیه توکل و صبر در میان زنان و تبدیل آن به یک ارزش اجتماعی
۳. تقویت ارزش‌های دینی و ولایی از طریق آموزش و کار فرهنگی مداوم

۴. تشویق زنان به حضور در فعالیت‌های سیاسی با در نظر گرفتن شروط حضور اجتماعی زنان همچون عفاف و حجاب

فهرست منابع و مآخذ

۱. بیانی، حوری، (بی‌تا)، نهج البلاغه و اصول حاکم بر توسعه فرهنگی، بی‌جا.
۲. پیشوایی، مهدی، (۱۳۸۱)، سیره پیشوایان: نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم علیهم‌السلام، قم: اعتماد.
۳. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۹)، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۴. جعفریان، رسول، (۱۳۸۶)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم‌السلام، قم: انصاریان.
۵. جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، تورج یار احمدی، شیراز.
۶. حسن، ابراهیم حسن، (۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی اسلام، ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
۷. شرفی، رضا، (۱۳۸۰)، جوان و بحران هویت، سروش.
۸. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
۹. فرهادیان، رضا، (۱۳۷۶)، پایه‌های اساسی ساختار شخصیت در تعلیم و تربیت، قم: مؤسسه فرهنگی - تربیتی توحید.
۱۰. کوئن، بروس، (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
۱۱. گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱)، جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
۱۲. گیدنز، آنتونی، با همکاری کارل بردسال، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.

